

ارتباط بودجه و توسعه کارآفرینی دانشگاهی

دکتر پرویز سعیدی : عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول

چکیده :

امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهمترین و گسترده ترین فعالیتهای دانشگاهها تبدیل شده است. در نظام اقتصادی پیشرو بودجه به مهمترین ابزار هدایت و تخصیص بهینه منابع در جهت دستیابی به اهداف توسعه تبدیل شده است. بودجه به عنوان نظامی است که در آن منابع پیش بینی و مصرف می شوند تا نتیجه ای منطقی و در راستای اهداف سازمانها بدست آید.

هدف اصلی این مقاله تعیین رابطه بین بودجه و توسعه کارآفرینی دانشگاهی است. مقاله ضمن ارائه مبانی نظری بودجه در راستای آن به تامین منابع مالی و سرمایه گذاری پرداخته و در نهایت با ارائه مدلی مفهومی به توسعه کارآفرینی دانشگاهی می پردازد. نتایج نشان می دهد بودجه مناسب با ابزارهای نظارتی کارآمد می تواند توسعه کارآفرینی دانشگاهی را ایجاد نماید.

واژه های کلیدی: بودجه- توسعه- توسعه کارآفرینی دانشگاهی- مراکز آموزش عالی- سرمایه گذاری

مقدمه :

همچنان که کسب و کار بطور روزافزون و سریع رقابتی شده و در سطح جهان مطرح می شود سازمانهایی که بهتر بتوانند طرحها و برنامه های آتی خود را برای پیوستن به معادلات جهانی و توسعه همکاری ایجاد نمایند، نسبت به دیگر سازمانها در مقام و مرتبه بالاتری قرار خواهند گرفت. بعلاوه موسساتی که دائماً اطلاعات گذشته و جاری خود را تحلیل و بررسی می نمایند و برنامه های آتی خود را براساس آنها تنظیم می کنند در راس این رقابت جهانی قرار می گیرند (Rasmussen , 2000, 1-2).

تغییرات وسیعی که در چند دهه اخیر در حجم، پیچیدگی و گستردگی عملیات و وظایف دولت و سازمانهای دولتی ایجاد شده موجب گردیده است اصلاحات، تعدیلات و ارزیابیهای جدید در بودجه و تامین منابع مالی آن ایجاد گردد. بودجه یکی از مهمترین فرایندهای تصمیم گیری دولت بوده و هست. همه ساله اخبار مربوط به تقدیم لایحه بودجه به مجلس که در آن سیاستها و فعالیتهای کلی دولت در یک سال بودجه ای مورد اجرا قرار می گیرد توسط دولت به مجلس و تصویب آنرا پس از اصلاحاتی که در مجلس به عمل آمده است از طریق رسانه های جمعی و مجلات علمی و روزنامه می خوانیم. در صنعت و تجارت در نیم قرن اخیر اهمیت بودجه بعنوان ابزار مفیدی در دست مدیریت سازمانها برای طرح سیاستها و نظارت بر اجرای آنها مورد توجه قرار گرفته و استفاده از آن بخصوص در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم بتدریج بسط و توسعه یافته است بطور کلی می توان گفت در حال حاضر کمتر موسسات بزرگ در کشورهای پیشرفته می توان یافت که آنرا مورد استفاده قرار ندهند.

در ایران نیز با توجه به برنامه های پنج ساله توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و با توجه به نگرش جدید بودجه در ده ساله اخیر، بودجه برای تنظیم کلیه فعالیتهای بصورت یک برنامه هماهنگ و جدی چه در دستگاهها و موسسات و وزارتخانه های دولتی بالاخص آموزش عالی و دانشگاهها و چه در اکثر شرکتهای بزرگ صنعتی مورد استفاده قرار گرفته است (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۴-۱۳).

بودجه در صورت کلی خود می تواند به فهرستی رسمی از هزینه ها و درآمدهای مجموع واحدهای سازمانی دولت تعریف شود، اما این صورت رسمی تعریف شده به لحاظ کاربردهای متفاوتی که از ابعاد قانونی، اجرائی و مدیریتی دارد با

ویژگیهای متعدد و گاه پیچیده ای همراه است. ابعاد و ویژگیهای بودجه ای و کاربردهای متفاوت آنها برحسب چهاردیدگاه کلی می تواند مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد:

۱- بودجه به عنوان ابزار مسئولیت مالی و محاسباتی^۱

۲- بودجه به عنوان ابزار مدیریت^۲

۳- بودجه بعنوان ابزار سیاست گذاری اقتصادی

۴- بودجه بعنوان توسعهی کارآفرینی و سرمایه گذاری

با توجه به موضوع اصلی مقاله به اختصار به بندهای سوم و چهارم می پردازیم.

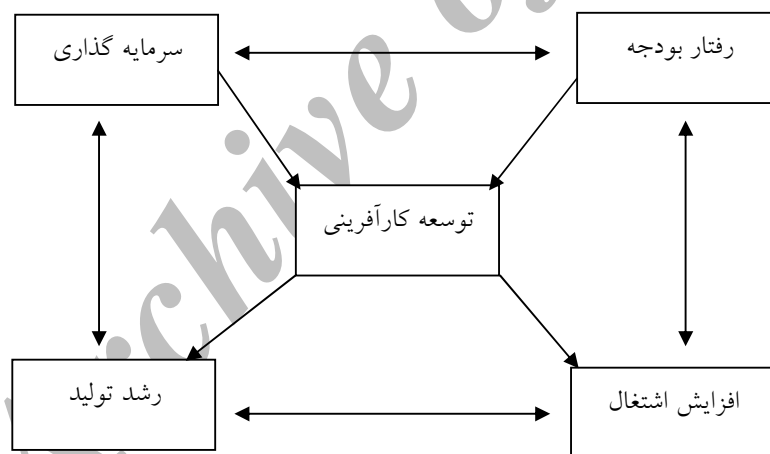
استفاده از بودجه به عنوان ابزار سیاست گذاری یا برنامه ریزی به منظور تنظیم سیاستهای مالی برای مقاصد اقتصادی صورت می گیرد تا بوسیله آن درآمدها و هزینه های بودجه ای چند هدف ویژه را برای حفظ تعادل اقتصادی و جلوگیری از بروز بحران تامین کند.

نخست آنکه از نظر سیاستهای اقتصادی و مقاصد مربوط به استفاده از منابع، بودجه بتواند هدفهای سرمایه گذاری و نرخ رشد و همچنین چگونگی اختصاص منابع به هزینه های جاری و سرمایه ای در بین بخشها را معلوم کند.

دوم آنکه تعیین نرخ رشد اقتصادی به دلیل ارتباط با میزان انتقال، ثبات قیمتها و موازنه بخش خارجی به گونه ای صورت پذیرد که منافع اجتماعی را حداکثر سازد.

بودجه بعنوان توسعهی کارآفرینی و سرمایه گذاری

برای نشان دادن رابطه بودجه و توسعهی کارآفرین و سرمایه گذاری مدل مفهومی زیر در نمودار (۱) ارائه می شود:



نمودار شماره (۱): مدل مفهومی بودجه و توسعهی کارآفرینی و سرمایه گذاری

که به اختصار به آنها می پردازیم:

رفتار وابسته به بودجه، سرمایه گذاری و توسعهی کارآفرینی

رفتار وابسته به بودجه^۱ به فعالیتهای مدیریتی، اقدامات، دیدگاهها و ارتباطات متقابل در بین مدیران و وظایفشان که به طور منظم صورت می گیرد و آنچه که با سیستم کنترل بودجه در ارتباط است اشاره می کند (ویلیامز و دیگران،

^۱ - بودجه ریزی در گامهای نخستین خود ابزار مسئولیت قانونی و محاسباتی بود. از این دیدگاه بودجه نوعی از کنترلهای قانونی، اداری و قضایی را در پی دارد که فارغ از ساختار سیاسی کشور و به منظور اطمینان از صحت عملیات مالی دولت صورت می گیرد.

^۲ - در این دیدگاه بودجه به عنوان ابزار مدیریت مالی به طرح مسایل اقتصادی مالیه عمومی می پردازد. ضمن ایجاد روشها و طبقه بندیهای مشترک و هماهنگ و ارائه اطلاعات مالی دقیق، مفید و به موقع جهت نیل به اهداف مدیریت اقدام می شود.

۱۹۹۰^۲). ادبیات رفتار وابسته به بودجه جوانب بالارزش زیادی از مطالعات، شامل مشارکت (آرجیس ۱۹۵۲، بکروگرین ۱۹۶۲، برونل ۱۹۸۲، برونل ومیکن^۳ ۱۹۸۶) و روش بودجه بندی ارزشیابی عملکرد (هاپوود ۱۹۷۴، ۱۹۷۲، اتلی ۱۹۷۸، هیرست ۱۹۸۱)^۴ را تأیید می کند.

برانس و واترهاوس (۱۹۷۵)^۵ دریافتند که رفتار وابسته به بودجه با استفاده از چندین عامل، از قبیل مشارکت، ارزیابی توسط بودجه، توانمندی سازمان، محدودیت سازمان، حمایت، پذیرش روشها می توانند تشریح شوند. اینگونه رفتار با احتمالی بودن روی جوانب مختلفی از ساختار سازمانی نظیر متمرکز سازی، خودمختاری و درجه ای بر روی آنچه که با آن فعالیتهایی که دارای ساختار بودند مشخص شده بود. آنها نتیجه گرفتند که بایستی استراتژیهای کنترل سازمانی دیگری در انواع مختلف سازمان وجود داشته باشد.

ویلیامز و دیگران (۱۹۹۰) خصوصیات بودجه ریزی را در مطالعه رفتار وابسته به بودجه در سازمانهای بخش عمومی مشخص نمودند. یافته هایشان در مورد عوامل رفتاری مهم بسیار شبیه به مطالعه بخش خصوصی توسط برانس و واترهاوس، در توصیه به اینکه چنین رفتاری با عوامل عمومی و خصوصی مشابه است بود. برای تسهیل در تجزیه و تحلیل، این عوامل به صورت زیر طبقه بندی می شدند:

۱. کنترل و اندازه گیری، ۲. مشارکت، ۳. ابلاغ رسمی، ۴. توانایی تغییر. آنها تجزیه و تحلیل پیشنهاد شده توسط برانس و واترهاوس را گسترش داده و استنتاج کردند که شواهدی از حمایت برای عقاید احتمالی از سازگاری بین رفتار بودجه بندی و عملکرد و ادوایر در زمینه وابستگی متقابل وظایف وجود دارد.

اوجی (۱۹۷۷-۱۹۷۹) اولین نویسنده ای بود که پیشنهاد نمود که فرهنگ عاملی مهم در طرح و عملیات سیستمهای کنترل سازمانی است. او پیشنهاد کرد که تحت مقتضیات هم خوانی درباره اهداف و مشکلات در سنجش عملکرد، سازمانها مجبور به پاسخگویی کامل جهت کنترل تصمیماتشان می باشند. چنین وضعی اغلب در بخش عمومی، با برآیند مهم برای طرح سیستمهای کنترل مالی اتفاق می افتند. (بورن و ازامل ۱۹۸۷)^۶

تحقیق تجربی برای الگوی عملی، در فرهنگ و سیستمهای کنترل مالی، عمدتاً با خصوصیات فرهنگ ملی و رفتار وابسته به بودجه مرتبط بوده است (بیورن بزرگ و اسناد گراس ۱۹۸۸، کاتو و شیلدر ۱۹۹۴، هریسون ۱۹۹۳، پنووویو ۱۹۹۳، کاتو، شیلدر و چین ۱۹۹۱)^۷. هیچ تحقیق تجربی قبلی که در مقالات ثبت شده باشد، توسط یک روش پژوهشی کاربرد روابط بین فرهنگ سازمانی که مخالف با فرهنگ ملی و رفتار وابسته به بودجه باشد وجود ندارد.

فلامهلتز^۸ (۱۹۸۳) و ماکوس پففر (۱۹۸۳) استدلال نمودند که طرح سیستم کنترل مالی بایستی با ارزشهای سازمانی یا فرهنگ سازگار باشد، در غیر این صورت سیستم با مقاومت مواجه می شود.

1- BUDGET-RELATED BEHAVIOUR

2-Williams (1990)

3-Argyris (1952),Becker and green(1962),Brownell(1982),brownell and mclInnes(1986).

4-Hopwood(1972)otley(1978)and hirst(1981).

5-Bruns and water hous(1975).

1-Bourn and ezzamel (1987).

2-Birnberg and snodgrass(1988),chow,kato and shields(1994),Harrison (1992,1993),ueno and Wu (1993),chow, shields and chan(1991).

1-Flamholtz (1983),and markus and pfeffer(1983).

2- Economy Knowledge

در این خصوص برنامه مالی تصویر کاملی را برای کارآفرین نمایان می‌سازد که از تعداد و زمان ورود وجوه به درون شرکت، بخشی که وجوه به آنجا می‌رود، میزان وجوه نقد موجود، و پیش بینی موقعیت مالی شرکت اطلاع یابد. این برنامه مبنای کوتاه مدتی برای کنترل بودجه بندی فراهم می‌آورد و از بروز یکی از متداولترین مشکلات فعالیتهای کارآفرینانه نوپا، یعنی نبود وجه نقد، جلوگیری می‌کند.

برنامه مالی (بودجه) باید برای سرمایه گذاران توضیح دهد که کارآفرین چگونه تمام تعهدات مالی خود را پاسخ گوید و به منظور بازپرداخت بدهی با فراهم آوردن بازدهی خوب از سرمایه گذاری میزان نقدینگی لازم را حفظ کند (WWW. Etrad. Com).

سرمایه گذاری کلید رشد اقتصادی هر کشور به شمار می‌آید. سرمایه گذاری علاوه بر اینکه موجب رشد تولید و اشتغال می‌گردد به توسعه‌ی کشور کمک می‌کند. مدیر امور مالی برای بسیج و تدارک منابع مورد نیاز و استفاده کارآ از این گونه منبع باید برنامه ریزی اقتصادی و بودجه ریزی داشته باشد. در تئوریهای رشد اقتصادی، نقش سرمایه به عنوان یکی از پارامترهای اصلی رشد و توسعه‌ی اقتصادی به شمار می‌آید. در واقع رشد اقتصادی و تولید بدون سرمایه گذاری غیرممکن به نظر می‌رسد، بنابراین نیاز به سرمایه وجود دارد که در واقع کارآفرینی باعث افزایش رشد سرمایه گذاری و تولید را به ارمغان می‌آورد. در اقتصاد پیشرفته عصر حاضر که بعضاً از آن به عنوان دانش اقتصاد^۱ یاد می‌شود، رشد کیفی نیروی انسانی یک عامل کلیدی است. پیش از این در کشورهای صنعتی پیشرفته، سرمایه گذاری فیزیکی و مالی عامل اساسی توسعه تلقی می‌شد، حال آنکه در زمان حاضر که عصر دانایی و اطلاعات و دانش است، سرمایه گذاری نیروی انسانی به مراتب بیش از سرمایه گذاری مالی و فیزیکی اهمیت پیدا کرده است، چرا که قرن حاضر با تغییر و تحولات سریع خود به افرادی فعال، خلاق و کارآفرین نیازمند است (ایمانی حسنلوئی و تقی پاشایی، ص ۵).

تولید، افزایش اشتغال و توسعه‌ی کارآفرینی

رشد تولید باعث افزایش اشتغال در جامعه می‌گردد. در این خصوص کارآفرینان در ایجاد اشتغال نیز نقش مهمی ایفا می‌نمایند. در حدود نیمی از کارکنان کشورهای توسعه یافته در کسب و کارهای کوچک مشغول فعالیت هستند. بیشتر مشاغل جدید را کسب و کارهای کوچک ایجاد می‌کنند و سهم این کسب و کارها در بازار کار در حال افزایش است. بنابراین یکی از پیامدهای مثبت پدیده کارآفرینی اشتغال مولد می‌باشد. طرح کارا و با هدف رفع معضل فعلی کشور در زمینه بیکاری و نیز بهره مند شدن از سایر پیامدهای کارآفرینی همانند بروز خلاقیتها، تولید ثروت، تولید و بکارگیری فن آوری، رشد اعتماد به نفس در بین دانشجویان و فارغ التحصیلان و جلوگیری از مهاجرت نخبگان ارائه شده است (طرح توسعه‌ی کارآفرینی در دانشگاهها (کاراد)، ص ۲۰).

کلیه موفقیت کارآفرینی، یافتن روشهای خلاقانه ای است که با بکارگیری تکنولوژیهای جدید با بازایی بهتر، سریعتر و کم هزینه تر کالاهای جدید، خواسته های بشری را به نحو احسن برآورد می‌سازند. این به معنای تولید کالاهای موجود با هزینه های کمتر یا ارتقاء کیفیت آن و یا به معنای ایجاد بازارهایی برای کالاهای کاملاً جدید و در مجموع ارزش آفرینی در بنگاههای اقتصادی را به ارمغان می‌آورد.

در ایران تا آغاز برنامه سوم توسعه‌ی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی به کارآفرینی توجه چندانی نشده بود، اما در این برنامه به علت بیکاری گسترده، به ویژه در میان جوانان و دانش آموختگان دانشگاه و پیش بینی شدت گرفتن این معضل در دهه ۱۳۸۰، کارآفرینی مورد توجه قرار گرفت. براساس بند ۲- الف راهکارهای اجرایی بخش آموزش عالی مندرج در جلد دوم پیوست شماره ۲ لایحه برنامه پنج ساله سوم توسعه‌ی، کارآفرینی و کارآموزی برای دانشجویان و دانش آموختگان از راه تحول برنامه ها و شیوه های آموزشی مورد تاکید قرار گرفته است. از این رو، به منظور توسعه و ارتقای سطح کارآفرینی به ویژه آموزش و پرورش دانشجویان و دانش آموختگان مقاطع گوناگون تحصیلی و فراهم کردن مشارکت هرچه بیشتر دانشگاهیان در توسعه‌ی کشور، آیین نامه طرح توسعه‌ی کارآفرینی در برنامه سوم در سطح وزارتخانه های علوم، تحقیقات

و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جهاد کشاورزی و صنایع و معادن و نیز جهاد دانشگاهی مطرح شد و در حال اجرا است. در این باره، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مسئولیت اجرایی «طرح توسعه‌ی کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور» را به سازمان سنجش کشور واگذار کرده است. این سازمان نیز از اواخر سال ۱۳۷۹ نسبت به سازماندهی آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌های مجری طرح که ۱۲ دانشگاه بودند، اقدام کرده است (مقیمی، ۱۳۸۲).

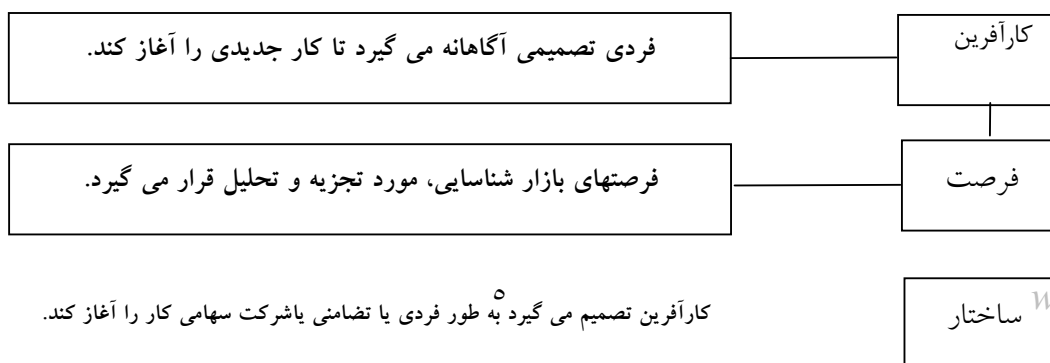
آموزش عالی، بودجه و توسعه‌ی کارآفرینی

سازمان علمی آموزش فرهنگی ملل متحد (UNESCO) در چشم انداز جهانی آموزش عالی ایران قرن ۲۱، دانشگاه‌های نوین را اینگونه توصیف کرده است: جایگاهی که در آن مهارت‌های کارآفرینی، به منظور تسهیل قابلیت‌های فارغ التحصیلان و برای تبدیل شدن به ایجادکنندگان کار، توسعه می‌یابد.

آموزش عالی معرف نوع مهمی از سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است که با فراهم آوردن و ارتقاء بخشیدن دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های مورد نیاز کارکنان ارشد فنی، حرفه‌ای و مدیریتی به توسعه‌ی اقتصادی کمک می‌کند. آموزش عالی به طور قطع نه تنها موجب ترویج دانش می‌شود، بلکه با پیشرفتهای تحقیقاتی، تکنولوژیکی و علمی، دانش جدید نیز به وجود می‌آورد. بدین ترتیب دانشگاه‌ها و سایر موسسات آموزش عالی سهمی مضاعف در اقتصاد دارند. اقتصاددانان از دیر باز به اهمیت آموزش به عنوان نوعی سرمایه‌گذاری پی برده بودند و از ابتدای دهه ۱۹۶۰ اقتصاد آموزشی به عنوان رشته مشخصی مطرح شده است که سهم آموزش را در رشد اقتصادی تجزیه و تحلیل و برنامه ریزان را به ابزار و فنونی مجهز می‌کند که به امر برنامه ریزی سرمایه‌گذاری آموزشی کمک می‌کند.

امروزه توسعه به مجموعه‌ای از تحولات فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اطلاق می‌شود که به گسترش توانایی‌ها و ظرفیتهای کلی یک جامعه در همه ابعاد منجر می‌شود. لذا توسعه فرآیندی پیچیده و چندبعدی است که ابتدا به دست انسان و در نهایت برای انسان صورت می‌گیرد و همه جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان را شامل می‌شود و ناظر بر بهبود همه جانبه زندگی بشر است. از این رو توسعه متغیر وابسته‌ای است که سطح و میزان آن به عوامل و متغیرهای متعدد و متفاوتی بستگی پیدا می‌کند که یکی از آنها بودجه می‌باشد. بودجه موجبات رشد و توسعه‌ی آموزش عالی را ایجاد نموده و چنانچه بطور مناسب پیش‌بینی و با ابزار دقیق کنترل و نظارت انجام گیرد باعث توسعه‌ی کارآفرینی دانشگاهی می‌گردد. در این راستا فرآیند کارآفرینی از جایگاه بالایی برخوردار است. در این خصوص فرای (۱۹۹۳، ۱۵۱) پنج جزء اصلی در فرآیند کارآفرینی را مورد توجه قرار می‌دهد که شامل کارآفرین، فرصت، ساختار، منابع و استراتژی را لازم و ضروری می‌داند. در این خصوص مدل او به قرار نمودار شماره (۲) ارائه شده است:

اجزای تشکیل دهنده:



کارآفرین تصمیم می‌گیرد به طور فردی یا تضامنی یا شرکت سهامی کار را آغاز کند.

نمودا شماره (۲): فرآیند کارآفرینی

تا سال ۱۹۹۰ چهاردسته اصلی از دوره های آموزشی کارآفرین شکل گرفت که به قرار زیر ارائه می شود:

دسته اول برنامه هایی برای آگاهی و جهت گیری به سوی کارآفرینی می باشد. هدف از این دوره ها افزایش آگاهی، درک و بینش نسبت به کارآفرینی به عنوان یک انتخاب شغلی برای افراد از تمامی اقشار اجتماعی می باشد. اینگونه برنامه ها در مقاطع تحصیلی ابتدائی، راهنمایی و متوسطه آموزش داده می شوند تا انگیزه و تمایل دانش آموزان و دانشجویان برای کارآفرین شدن افزایش یابد. گروههای نژادی، غیرشاغلین، مخترعین، دانشمندان، کارکنان دولت و بازنشستگان ارتشی و گروههای مختلف زیادی می توانند تحت پوشش این دوره قرار گیرند.

دسته دوم شامل برنامه های آموزشی می باشد که «توسعه ی تاسیس شرکتها» را پوشش می دهد. این برنامه ها به اقتضای شرایط خاص هر کشور طراحی شده اند. کشورهایی همچون امریکا، هند، فیلیپین، مالزی، فنلاند و هلند مراکز ویژه ای را جهت حمایت از کارآفرینان بالقوه تاسیس نموده اند که ضمن ارائه آموزشهای ویژه جهت توسعه ی توانایی ها و انگیزش افراد، توسعه ی مناطق شهری و آموزشهای عملی در نزد کارآفرینان موجود را دربر می گیرد.

دسته سوم دوره ها جهت «رشد و بقایای کارآفرینان و شرکتهای کوچک» طراحی شده است، که شرکتهای کوچک موجود را پوشش می دهد. واقعیت آن است که این گروه از شرکتها در هر کشوری باید مورد توجه قرار گیرند. در کشورهای کمونیستی سابق شرکتهای کوچک بسیار مورد توجه قرار گرفته اند و تعداد زیادی از آنها با کمتر از ۱۰ کارمند تاسیس شده اند. نیازهای آموزشی در این برنامه ها بسیار متنوع می باشد. از دوره های بسیار مورد قبول در این خصوص می توان به دوره «رشد شرکتهای کوچک» در دانشگاه دارهام و دوره «فعالیتهای اقتصادی خود را بهبود دهید» که توسط سازمان بین المللی کار (ILO) در سراسر دنیا اجرا می شود، اشاره نمود.

دسته چهارم برنامه «توسعه ی آموزش کارآفرینی» می باشد که شامل شیوه های جدید آموزشی و تعیین نقشهای نوین دانشجو و استاد در فرآیند آموزش کارآفرینی است. هدف دیگر این برنامه ها آموزش و گسترش کمی اساتید جدید از میان صنعتگران و دست اندرکاران فعالیتهای اقتصادی برای آموزش کارآفرینی می باشد (سازمان بین المللی کار ۱۹۹۲، ص ۴-۱).

نقش برنامه ریزی اقتصادی و بودجه و ارتباط آن با توسعه ی کارآفرینی

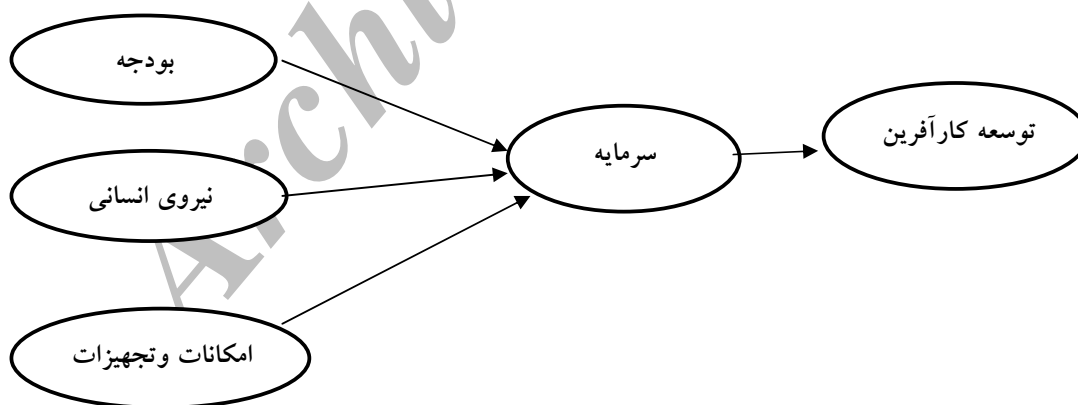
نظام برنامه‌ریزی نه تنها تمامی اقدامات و فعالیتهای فردی و جمعی دست‌اندر کاران را در تعیین امکانات و اولویت دادن به هدفها و نیازها شامل می‌شود، بلکه چگونگی تحقق اهداف ملی و منطقه‌ای بخشهای اقتصادی و اجتماعی کشور و نحوه کنترل و جلوگیری از انحرافات و تعدیل مغایرات احتمالی را دربر می‌گیرد.

از آنجائیکه وظایف دولتها روز به روز در حال افزایش است این وظایف، دخالت دولتها را در کلیه شئون ایجاب می‌کند تا جایی که دولت بزرگترین عامل دگرگونی در ساختار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی محسوب می‌شود و تصمیماتی که اتخاذ می‌کند کلیه افراد و یا قشرهای زیادی از مردم شامل می‌گردد.

به موازات ضرورت دخالت دولتها در نظام مالی و اقتصادی و برنامه‌ریزی و سیاست گذاری در کلیه شئون دامنه توقعات و انتظارات مردم نیز روز بروز وسیع‌تر گردید تا جایی که سرو سامان دادن به هرگونه آشفتگیهای اقتصادی و اجتماعی را از مسئولان امور می‌خواستند و در نتیجه هزینه‌های عمومی دولت سیر صعودی پیدا کرد و اندیشه برنامه‌ریزی برای پاسخگویی به نیازهای روز افزون جامعه مطرح گردید. برای جلوگیری از این مسائل دولتها اقدام به واگذاری بخشهای دولتی و عمومی به بخش خصوصی شدند که از طریق یک نظام مدون و کارآمد و با افرادی خلاق و ریسک پذیر که کارآفرین نامیده شدند برنامه ریزیهای اقتصادی بهبود نسبی به خود گرفت.

نکات مهمی که در برنامه‌ریزی اقتصادی می‌باید مورد توجه برنامه‌ریزان قرارگیرد ماهیت و ساختار اقتصادی و بودجه‌ای دولت است. در این برنامه‌ریزی باید از کلیه فرصتها و امکانات کشور در تمامی زمینه ها حداکثر بهره برداری بعمل آید تا تحقق هدفهای طرحهای توسعه با اطمینان بیشتری صورت پذیرد. در ضمن بودجه بندی و اختصاص دادن منابع و امکانات مالی مورد نیاز ضامن اجرای کلیه برنامه‌ریزی‌های اقتصادی است. بدین ترتیب لازم است در هر برنامه‌ریزی اعم از کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت نسبت به تخصیص درست اعتبارات لازم در زمانهای تعیین شده با توجه به اهداف برنامه‌ریزیهای تعیین شده توجه شود.

بنابراین بودجه، نیروی انسانی، امکانات در واقع بعنوان سرمایه محسوب شده که چنانچه هدایت شود می‌تواند توسعه‌ی کارآفرین را در بخش دانشگاهی فراهم آورد.



نتیجه گیری

برای ایجاد یک فضای مساعد و رسیدن به توسعه‌ی ملی به عنوان پیش نیاز کارآفرینی به ساختارهای مناسب نیاز است. ساختارهای بودجه بندی، اقتصادی، فرهنگی یک جامعه باید با ارزشها و انتظارات تناسب داشته باشد. یکی از مولفه های

پیش نیاز توسعه‌ی ملی دسترسی همگان به منابع و اطلاعات و وجود یک بودجه مناسب و کارآمد است که با تخصیص مناسب در بخش های اقتصادی و اشتغال زایی طرحهای زودبازده باعث افزایش تولید و اشتغال در جامعه می شود. بر این اساس دانشگاهها با توجه به ظرفیت هایی که در تولید و توزیع دانش دارند به عنوان دانشگاههای کارآفرین^۱ نقش اساسی را در نوآوری و توسعه‌ی فناوری و در نتیجه اشتغال زایی ایفا می کنند.

منابع و مأخذ :

- ۱- احمد پور داریابی، محمود (دکتر) «کارآفرینی» (تهران: انتشارات پردیس، چاپ سوم، تابستان ۱۳۸۰).
- ۲- ایمانی حسنلوئی، مهدی و محمدتقی پاشایی ((دانشگاه، دولت و کارآفرینی)) «ماهنامه مجله کار و جامعه شماره ۸۲- ۸۱ اسفند ۸۵ و فروردین ۸۶».
- ۳- سازمان سنجش آموزش کشور ((کارآفرینی، طرح توسعه‌ی کارآفرینی دانشگاههای کشور «کاراد»)) (تهران: سال ۱۳۸۱).
- ۴- سعیدی، پرویز ((بودجه و بودجه ریزی دولتی)) (تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، جلد اول، سال ۱۳۸۲).
- ۵- مقیمی، فضل الله ((کارآفرین، سنجش و پژوهش)) گاهنامه مرکز اطلاعات سازمان سنجش آموزش کشور سال ۱۳۸۲.

6- Rasmussen, nils and Chrstopher. J. Elchorn ((Budgeting)) john wiley and Sons-Lnc newyork , 2000.

7. Fry,F. (1993) ((Entrepreneurship: A Planning Approach)) Englewood Cliffs NJ: Prentice- Hall.

8- www. Etrade . Com. Trade Securities

1- entrepreneurial universities.